

تنوع و کثرت ادیان به مثابه چالشی برای خداباوری^۱

زهیر باقری نوع‌پرست

در ایران، ژاپن، سودان، کانادا و استرالیا ۱+۱=۲ بوده است و محل زندگی و فرهنگ و خانواده‌ی شما تأثیری در درستی این گزاره و باور به آن ندارد. ولی نگاهی به کره زمین و رواج و فراگیری ادیان به ما نشان می‌دهد که محل تولد افراد و فرهنگی که در آن رشد می‌کنند عامل تعیین کننده در دین افراد است. دین اولیه‌ی افراد با توجه به محل تولد، فرهنگ و خانواده شکل می‌گیرد. از این رو عجیب نیست که تنوع و کثرت دینی وجود دارد، در حالی که در ریاضیات و علوم طبیعی چنین تنوع و کثرت وابسته به خانواده، جغرافیا و فرهنگ دیده نمی‌شود. وجود این تنوع و وابستگی باور به خداوند و یا باور مذهبی به پدیده‌هایی مانند جغرافیا و فرهنگ و خانواده از سوی دیگر چالشی برای باور به خداوند و باور مذهبی است. به دنیا آمدن ما انتخاب ما نیست، چنان که فرهنگ و خانواده‌ای که در آن بزرگ می‌شویم انتخاب ما نیست. اگر چنین اموری باور دینی افراد را تعیین کنند یا تعین بخشند، باورهای دینی آنها باورهایی تصادفی‌اند و چنانچه شخص به جای اینکه در عربستان در خانواده‌ای مسلمان سنی به دنیا می‌آید در انگلستان و خانواده‌ای مسیحی انگلیکان به دنیا می‌آید، مسلمان سنی نمی‌شد بلکه مسیحی انگلیکان می‌شد. اغلب افرادی که دیندار باقی می‌مانند بر همان دینی که به آنها منتقل شده، پایبند می‌مانند. از این میان، برخی از این دینداران بعدتر سعی می‌کنند نشان دهند که باور آنها به لحاظ عقلانی قابل دفاع است و یا حتی از دیگر ادیان هم به لحاظ عقلانی قابل دفاع‌تر و یا برتر است. از آنجا که عقل هم محدود به بنگلادش، ایران، انگلستان و بولیوی نیست، با دفاع عقلانی از باور خود سعی دارند نشان دهند که باورهای دینی آنها محدود به جغرافیا و فرهنگ خاصی نیست. در ادامه می‌خواهیم اشاره‌ی بسیار کوتاهی به دلالت تنوع و کثرت ادیان برای «خداباوری» و «طبیعت‌گرایی» کنیم.

باور به وجود خداوند و یا مذاهب از طریق گواهی پیشینان به ما منتقل می‌شود و برای بررسی عقلانی بودن یا نبودن آنها نیاز به بررسی شواهد و دلایل داریم. مواجهه با این تنوع و کثرت باورهای مذهبی از یک سو و اهمیت هدایت شدن انسان در برنامه آفرینش – چنان که برخی از ادیان خداباور بدان قائل‌اند – از سوی دیگر، ما را به پرسش و خواهد داشت. خداوندی که هستی بیکرانی آفریده تا در نقطه‌ای از آن کره زمینی بوجود بیاید و در آن کره حیات بوجود بیاید و انسانی بروز پیدا کند تا بلکه هدایت شود نمی‌توانست اطمینان حاصل کند باور مذهبی یکسانی میان انسان‌ها ترویج یابد و یا تصویری یکسان از خداوند میان انسان‌ها ترویج شود؟ اگر یکی از ادیان ابراهیمی (یا همه آنها) راه سعادت بشر است، چرا پیامبران ادیان ابراهیمی تنها در خاورمیانه ظهور پیدا

^۱ نظرات یا نقدهای خود به این متن را برای نویسنده به نشانی m.z.bagheri.noaparast@gmail.com ارسال کنید.

کرده‌اند؟ طبیعت‌گرا در مواجهه با این پرسش‌ها، می‌تواند چند نقد مطرح کند که تنها به دو مورد از آنها اشاره می‌کنم. اولی «اسراف» یا شاید بهتر باشد بگوییم «هدر دادن» است. اگر خدایی جهانی به این گستردگی و پیچیدگی بیافریند تا در کره‌ی زمین، انسانی آفریده شود و آن انسان هدایت شود ولی پیامبران خود را به جغرافیای کوچکی محدود کند، منابع، هوش، خرد و توانایی خود را با توجه به این هدفی که داشته «هدر داده است». دومین نقد، متوجه عدالت است. اگر یکی یا همه ادیان ابراهیمی راه سعادت بشنوند، چرا خداوند این راه سعادت را محدود به جغرافیای خاصی کرده است و مثلا انسانهایی که در قاره‌ی آمریکا پیش از استعمار این قاره توسط اروپاییان زندگی می‌کرده‌اند یا انسانهایی که در استرالیا پیش از استعمار انگلیسی‌ها زندگی می‌کرده‌اند حتی فرصت نداشته‌اند با این راه سعادت بشر آشنا شوند؟

در حالی که طبیعت‌گرا با اشاره به این نکات حقانیت ادعا شده در ادیان و باور به خدا را به چالش می‌کشد، واکنش دینداران به این تنوع و کثرت متفاوت است. برخی از دینداران سعی دارند به روش‌های متفاوتی نشان دهند که دین خودشان بر حق است و به تبیین دلایل و علل تاریخی و معرفت‌شناختی انحراف و انحطاط پیروان دیگر ادیان می‌پردازند. چالش اصلی پیش روی این دینداران آن دو نکته‌ای است که بدان اشاره شد. ولی اگر به وجود خداوند باور داشته باشید گزینه دیگری که می‌توانید بررسی کنید این است که این تنوع و کثرت ادیان و باورهای مذهبی دلیلی بر برتری یکی بر دیگری نیست و همه آنها راه هدایت و رسیدن به خداوندند. این راه حل می‌تواند جزئیات متفاوتی داشته باشد ولی در حالت کلی مزیت آن این است که در چنین حالتی، خلق هستی به این عظمت به نظر اسراف نمی‌آید و همه انسان‌ها فرصت هدایت و رسیدن به حقیقت را به یک اندازه داشته‌اند. اما در کتابهای مقدس ادیان، نفی دیگر ادیان به عنوان دینهای خرافی یا تحریف شده یا دروغین رایج است. علاوه بر این، برخی از مفاهیم موجود در این ادیان با هم قابل جمع نیستند. ادیانی که به ادیان غربی مشهورند (یهودیت، مسیحیت، و اسلام) برغم همه تفاوت‌هایی که با هم دارند خدایی شخصی دارند و برخی از ادیانی که به ادیان شرقی مشهورند (مانند بودیسم) به وجود خداوند شخصی و انسانواری باور ندارند. برخی از ادیان طبیعت‌گرا (مثلا برخی از شاخه‌های هندوئیسم)، برخی از ادیان خدا‌باور و برخی از ادیان چندخدا‌باورند. همه ادیان ادعای جهانی بودن نمی‌کنند و در برخی از ادیان پدر، مادر یا نسب خانوادگی شما در اینکه بتوانید عضو آن دین باشید یا نه، تاثیرگذار یا تعیین‌کننده است. اینها صرفا چند تفاوت غیرقابل جمع میان ادیان است، در حالی که هزاران دین وجود دارد که ناهمخوانی‌های غیرقابل جمع میان آنها با بررسی موردی آنها بیشتر و بیشتر می‌شود. اگر کثرت‌گرایی محدود مطرح شود، مثلا کثرت‌گرایی میان ادیان ابراهیمی یا مذاهب اسلامی به نظر قابل دفاع‌تر می‌آید تا کثرت‌گرایی‌ای که در آن همه ادیان را – برغم اینکه یکدیگر را نقض می‌کنند و با هم ناهمخوانی دارند – جا دهیم. ولی نقد «هدر دادن» و «عدالت» که بالاتر به آن اشاره شد به کثرت‌گرایی محدود هم وارد است.